

سال اول برای بازی دررده جوانان به خاطر دوستی  
با افشین سرداری که قبلا مربی برادرم بود به تیم «اتکا  
تهران» رفتم. دوست نداشتم وارد تیمی بشم که به من سخت  
بگیرند و یا شناختی از من نداشته باشند. یک تیم معمولی که  
چند سالی بیشتر دووم نیاورد ولی از یک جهت تبدیل به یک  
انتخاب خوب برای من شد! تیم امیدهای «اتکا» اینقدر ضعیف  
بود که از من سال اولی خواستن تا برای آنها بازی کنم.

